

بدیع ازبلاغت

دکتر سید جواد مرتضایی

عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد





بیع زبلاغت

ISBN 978-964-401-524-3



9 789644 015243



انتشارات زوآر

«بدیع» از بلاغت

دکتر سید جواد مرتضایی
عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد



سرشناسه	: مرتضایی، جواد، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: «بدیع» از بلاغت / سیدجواد مرتضایی.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات زوّار، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۶ ص.
شابک	: 978-964-401-524-3
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: بدیع
موضوع	: معانی و بیان
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۴ ب ۴ م ۴ / PIR ۳۳۶۱
رده‌بندی دیوبی	: ۲۴ / ۸ فا
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۹۷۹۴۱۲



انتشارات زوّار

□ «بدیع» از بلاغت □

□ تألیف / دکتر سیدجواد مرتضایی □

□ لیتوگرافی و آماده‌سازی چاپ / عالمی □

□ نظارت بر چاپ و صحافی / فرناز کریمی □

□ چاپ / خاشع □

□ صحافی / خاشع □

□ نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۹۴ □

□ شمارگان / ۵۵۰ نسخه □

□ شابک / ۳-۵۲۴-۴۰۱-۹۶۴-۹۷۸ □

□ نشانی: تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - نبش شهید وحید نظری - پلاک ۲۷۸

تلفن: ۶۶۴۶۲۵۰۳ - ۶۶۴۸۳۲۲۳ - ۶۶۴۸۳۲۲۴ - نمابر: ۶۶۴۸۳۲۲۴

قیمت: ۱۶۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱۷.....	مقدمه.....
۲۱.....	فصل اول.....
۲۱.....	«بدیع» در لغت.....
۲۱.....	«بدیع» در اصطلاح.....
۲۳.....	کارکرد صنایع بدیعی.....
۲۴.....	مختصری از آغاز تدوین بلاغت عربی پیش از ابن معتر تا آغاز دوره انحطاط (قرن ۷ ه.ق).....
۲۸.....	تفکیک بدیع از سایر علوم بلاغی.....
۲۸.....	سیری کوتاه در مهم ترین آثار بلاغی/بدیعی عربی.....
۳۳.....	سیری کوتاه در برخی بدیعیه های عربی.....
۳۵.....	نگاهی گذرا به سیزده اثر بدیعی فارسی.....
۴۳.....	نگاهی به بلاغت از منظر زبان شناسی.....
۴۶.....	فنون بلاغی زائد و فاقد ارزش بلاغی و صنایع و فنون تکراری و همپوشان در کتاب «ابدع البدایع».....
۶۵.....	نگاهی گذرا به برخی بدیعیه های فارسی.....
۶۷.....	فصل دوم.....

۶۷	 آسیب شناسی علم بدیع
۷۲	 خودآگاهی و ناخودآگاهی در ایجاد صنایع بدیعی
۷۴	 «تأثیر» مهمترین اصل ارزش گذاری بر صنایع بدیعی
۷۵	 موسیقی متن، نقش و جایگاه صنایع بدیعی در میان عناصر شعر
۷۶	 نقش و جایگاه فنون بلاغی و صنایع بدیعی در دو محور افقی و عمودی متن
۷۸	 روش شناسی معرفی و طرح صنایع بدیعی
۸۳	 فصل سوم
۸۳	 صنایع بدیعی لفظی (صنایع ایجاد کننده موسیقی لفظی و ظاهری)
۸۴	 ۱- سجع
۸۵	 ۱-۱- سجع متوازی
۸۶	 ۱-۱-۱- تضمین المزدوج
۸۸	 ۱-۱-۲- ترصیع:
۸۶	 ۱-۲- سجع مطرف
۸۷	 ۱-۳- سجع متوازن
۸۹	 ۱-۳-۱- موازنه
۸۹	 ۱-۳-۲- ترصیع و موازنه
۹۲	 ۲- جناس
۹۳	 انواع جناس

فهرست مطالب ۹

۹۳.....	۱-۲- جناس تام.....
۹۴.....	۱-۱-۲- جناس مرکب.....
۹۶.....	۲-۱-۲- جناس ملّفق.....
۹۷.....	۲-۲- جناس ناقص (مُحَرّف).....
۹۸.....	۱-۲-۲- جناس مضارع ولاحق.....
۹۹.....	۲-۲-۲- جناس خط (مُصَحّف).....
۱۰۰.....	۳-۲-۲- جناس مطرّف.....
۱۰۱.....	۴-۲-۲- جناس زائد.....
۱۰۲.....	۵-۲-۲- جناس لفظ.....
۱۰۳.....	۶-۲-۲- جناس اشتقاق.....
۱۰۴.....	۱-۶-۲-۲- جناس شبه اشتقاق.....
۱۰۵.....	۷-۲-۲- جناس قلب کل.....
۱۰۶.....	۱-۷-۲-۲- جناس قلب بعض.....
۱۰۷.....	۳- تکرار.....
۱۰۸.....	۱-۳- تکرار واج (واج آرای).....
۱۱۲.....	۲-۳- تکرار هجا.....
۱۱۲.....	۳-۳- تکرار واژه.....
۱۱۶.....	۱-۳-۳- ردّ العَجْزِ إلی (علی) الصدر.....

- ۱۱۷..... ۳-۳-۲- ردّ الصدر إلى العجز
- ۱۱۷..... ۳-۳-۳- ردّ العروض إلى الصدر
- ۱۱۷..... ۳-۳-۴- ردّ الإبتدا إلى العروض
- ۱۱۸..... ۳-۳-۵- ردّ الإبتدا إلى الصدر
- ۱۱۸..... ۳-۳-۶- ردّ العجز إلى الإبتدا
- ۱۱۸..... ۳-۳-۷- ردّ العجز إلى العروض
- ۱۱۹..... ۳-۳-۸- ردّ القافیه
- ۱۱۹..... ۳-۴-۴- تکرار جمله
- ۱۲۱..... ۳-۵-۵- تکرار مصراع (ردّ المطلع)
- ۱۲۲..... ۳-۵-۱- طرد و عکس
- ۱۲۴..... ۳-۶-۶- تکرار بیت
- ۱۲۴..... ۳-۷-۷- تکرار بند
- ۱۲۶..... ۴-۴-۱- إعنات (لزوم ما لا يلزم، التزام)
- ۱۲۸..... ۴-۱-۱- حذف و تجرید
- ۱۲۹..... ۴-۲-۲- ذوقافیتین
- ۱۳۰..... ۴-۳-۳- ذوبحرین ، ذوبحور (متلون)
- ۱۳۱..... ۴-۴-۴- توشیح
- ۱۳۳..... فصل چهارم

فهرست مطالب ۱۱

صنایع بدیعی معنوی (صنایع ایجاد کننده موسیقی معنوی در شعر)..... ۱۳۳

۱- تناسب ۱۳۷

۱-۱- تضاد ۱۴۱

۱-۱-۲- پارادوکس (متناقض نما) ۱۴۲

۱-۱-۲-۱- دلیل عکس ۱۴۶

۱-۱-۳- مقابله ۱۴۶

۱-۱-۴- افتنان ۱۴۷

۱-۲- تلمیح ۱۴۸

۱-۲-۱- اقتباس ۱۵۱

۱-۳- جمع ۱۵۲

۱-۳-۱- سیاقه الاعداد (اعداد) ۱۵۳

۱-۳-۲- تنسيق الصفات ۱۵۴

۱-۳-۳- جمع و تفريق يا تقسيم ۱۵۵

۱-۵- لفّ و نشر ۱۵۶

۱-۶- ارساد و تسهيم ۱۵۷

۱-۷- ارسال مثل ۱۵۸

۱-۸- استتباع ۱۶۰

۲- تفريق يا تقسيم ۱۶۰

- ۳- حسامیزی..... ۱۶۲
- ۴- ایهام..... ۱۶۴
- ۴-۱- ایهام تناسب..... ۱۶۶
- ۴-۱-۱- ایهام تضاد..... ۱۶۸
- ۴-۲- استخدام..... ۱۶۹
- ۴-۳- اسلوب الحکیم..... ۱۷۰
- ۴-۴- تبادل..... ۱۷۱
- ۴-۴-۱- ایهام ترجمه..... ۱۷۳
- ۴-۵- ایهام چندمعنایی..... ۱۷۳
- ۴-۶- ایهام چندگانه خوانی..... ۱۷۴
- ۴-۶-۱- ایهام ساختاری..... ۱۷۵
- ۴-۷- توجیه..... ۱۷۶
- ۴-۸- مدح شبیه به ذم..... ۱۷۷
- ۴-۹- ذم شبیه به مدح..... ۱۸۰
- ۵- استثنای منقطع..... ۱۷۹
- ۶- خلاف آمد عادت..... ۱۸۰
- ۷- التفات..... ۱۸۱
- ۷-۱- تجرید..... ۱۸۲

فهرست مطالب ۱۳

- ۸- مذهب کلامی ۱۸۳
- ۹- حسن تعلیل ۱۸۴
- ۱۰- اغراق و مبالغه و غلو ۱۸۵
- ۱۰- ۱- تجاهل العارف ۱۸۶
- ۱۱- ۱- براءت استهلال ۱۸۷
- ۱۲- سؤال و جواب ۱۸۸
- ۱۳- ابداع ۱۸۹
- ۱۴- حُسن طلب ۱۹۱
- ۱۵- حسن مطلع ۱۹۱
- ۱۶- حسن مقطع ۱۹۱
- ۱۷- حسن تخلص ۱۹۲
- ۱۸- حشو ۱۹۳
- ۱۹- لُغز ۱۹۷
- ۱۹- ۱- معما ۱۹۷
- ۲۰- اضراب ۱۷۹
- ۲۰- ۱- رجوع ۱۹۷
- ۲۱- تضمین ۱۹۸
- ۲۲- ترجمه ۱۹۹

- تقن‌های بدیعی ۲۰۰
- ۱- توشیح متکلفانه ۲۰۱
- ۱-۱- مدور ۲۰۱
- ۱-۲- مربع ۲۰۱
- ۲- موصل ۲۰۱
- ۳- مقطع ۲۰۲
- ۴- واسع الشفتین ۲۰۲
- ۵- واصل الشفتین ۲۰۲
- ۶- معجم (جامع الحروف) ۲۰۲
- ۷- رقطا ۲۰۳
- ۸- خیفا ۲۰۳
- ۹- فوق النقاط ۲۰۳
- ۱۰- تحت النقاط ۲۰۳
- ۱۱- ذولغتين ۲۰۴
- ۱۲- تعطیل ۲۰۴
- ۱۳- منقوط ۲۰۴
- ۱۴- مصحف ۲۰۵
- ۱۵- ترلزل ۲۰۵

فهرست مطالب ۱۵

۱۶-موقوف (مدرج).....	۲۰۵
۱۷-قلب مستوی (کامل).....	۲۰۶
یادداشت‌ها.....	۲۰۸
فهرست‌ها.....	۲۱۲
فهرست اصطلاحات.....	۲۱۴
فهرست اسامی و کتاب‌ها.....	۲۲۲
مآخذ.....	۲۳۰

مقدمه

از منظر فرمالیستی و به بیانی ساده مهم ترین وجه تمایز زبان ادبی از زبان خودکار این است که در زبان ادبی آشنایی زدایی و عادت ستیزی اتفاق می افتد و این آشنایی زدایی موجب درنگ و شگفتی مخاطب می شود و درنگ و شگفتی از عوامل تحریک عواطف، احساسات و تخیل مخاطب است. بنا بر این در زبان ادبی آن آشنایی زدایی و عادت ستیزی ارزشمند است که به دنبال خود درنگ و تعجب و در ادامه برانگیختگی عواطف و تخیلات را همراه داشته باشد. در میان اسباب و ترفندهای گوناگون، بلاغت یکی از شگردهایی است که با آن می توان زبان را از حالت اتوماتیسم و خودکاری خارج کرد و به زبان ادبی نزدیک نمود. کسی که می خواهد با تمام ویژگی ها و امکانات زبان ادبی آشنایی حاصل کند و دریافت درستی از جوانب گوناگون متن ادبی، از هر نوع آن، داشته باشد باید با این اسباب و شگردها آشنا باشد. با این وصف غیر ممکن است کسی با بلاغت آشنا نباشد و بتواند دریافت، مواجهه و خوانشی مناسب و درست از متن ادبی داشته باشد، چون -همان طور که گفته شد- بخشی از ادبیت هر متن در گرو ترفندها و شگردهای بلاغی به کار رفته در آن است و بلاغت، از هر گونه ای، جزء جدایی ناپذیر از ادبیات است و بخشی از درک مناسب از هر اثر ادبی وابسته به اندوختن دانش بلاغی است. به عنوان مثال اگر کسی با ترفند بلاغی «ایهام» آشنا نباشد، هیچ گاه نمی تواند خوانشی دقیق و بایسته از غزل های حافظ داشته باشد و دریافت او از فرم، ساختار و معنای شعر حافظ ناقص است، زیرا این صنعت بلاغی به دلیل ویژگی هایی که دارد (نک: مطالب آمده ذیل این صنعت در این کتاب)، بسیار مورد توجه حافظ بوده و عدم توجه به آن بی بهرگی از طیف های متنوع رنگی از رنگ های پرشمار شعر حافظ است.

اگر بلاغت و شاخه‌های آن را با در نظر داشتن تعریف و دیدگاهی که از زبان ادبی ارائه شد بررسی نماییم، برخی از آرایه‌ها و فنون و صناعاتش یا هیچ نوع آشنایی زدایی و عادت ستیزی ندارند و یا اگر هم موجب آشنایی زدایی و حتی درنگ و تعجب می‌شوند، شرط برانگیختگی عواطف و تخیلات را که اساسی است به همراه ندارند. ما در این کتاب بر اساس این دیدگاه و موضع به بررسی «بدیع» به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی بلاغت پرداخته‌ایم و یکی از دو دلیل نگارش این کتاب - در کنار آثار فراوانی که درباره علم بدیع نوشته شده - همین است. اما دلیل دوم طرح مباحثی است مربوط به بلاغت و بدیع که پیش از پرداختن به صنایع و فنون در این کتاب آمده و به نظر نگارنده بسیار ضروری است.

بر این اساس ذکر چند نکته بسیار ضروری است تا مخاطبان متوجه نوع نگره و موضع ما نسبت به ترفندهای بدیعی باشند و بدیهی است کسانی که نگرستن به شگردهای بدیعی را از این منظر و موضع نمی‌پسندند، در مواردی با نگارنده هم صدا و موافق نیستند و البته دیدگاه و عقیده شان نزد ما محترم است. اما نکاتی که ذکر آنها ضروری می‌باشد و ضمن مباحث کتاب به تفصیل بیشتر به آنها پرداخته شده، از این قرار است: ۱- همان طور که پیشتر گفته شد و در جای جای کتاب هم اشاره شده است، تمام آنچه تحت عنوان صنعت بدیعی در آثار بدیعی آمده ارزش زیبایی شناسی ندارد و بسیاری از آنها از مقوله صنعت تراشی و یا تقنن و بازیچه است و ما هم به ناچار به دلیل آنکه طیفی از مخاطبان این کتاب دانشجویان می‌باشند و به کار درسی ایشان می‌آید به برخی از مشهورترین آنها پرداخته‌ایم. ۲- هنگام طرح و ارائه تعریف برای صنایع و یا فنون و تقنن‌های بدیعی با توجه به دو معیار ارزشمندی صنایع بدیعی که عبارت است از «تأثیر» (برانگیختن عواطف و اقناع حس زیبایی شناسی) و اصل ایجاد موسیقی و افزودن بر غنای موسیقی کلام، اگر آن فن بلاغی از این دو ویژگی برخوردار بوده، از آن با عنوان صنعت بدیعی یاد کرده و در مواردی که فن بلاغی فاقد این ویژگی‌هاست، متذکر شده‌ایم که این مورد صنعت بدیعی محسوب نمی‌شود و آن را با عناوینی چون فن بدیعی، شگرد و یا تقنن نامیده‌ایم. ۳- با توجه به اینکه استفاده از این صنایع، شگردها و فنون در متون نظم و نثر در همه موارد یکسان نیست و شواهدی از نظم و نثر دقیقاً ذیل یک صنعت یا شگرد بدیعی با یک تعریف واحد قرار نمی‌گیرد - البته این موضوع در مورد سایر علوم و مباحث مربوط به ادبیات چون عروض، قافیه،

معانی، بیان، انواع ادبی و... مصداق دارد و دیده می‌شود-، در معدود موارد عناوین و تقسیم‌بندیهای جدید پیشنهاد شده که دو سه تن از بدیع نویسان نیز به آن اشاره کرده اند و در یکی دو مورد هم این طبقه بندی از جانب نگارنده است، مانند: تکرار جمله، طرد و عکس کامل و ناقص، تلمیح مؤثر و غیر مؤثر؛ البته این موارد انگشت شمار از باب صنعت افزایی-که نگارنده خود از مخالفان آن می‌باشد- نیست و چون با این نمونه‌ها در متون مواجه شده این تقسیم‌بندی‌ها پیشنهاد شده است. ۴- در مواردی از صنایع، فنون و تفنن‌ها مطالبی زیر عنوان «نکته» ذکر شده که اهمیت آنها کمتر از آن صنعت و تعریفش نیست و از خوانندگان می‌خواهیم حتماً به آنها توجه نمایند. اعتقاد راسخ دارم و تأکید می‌کنم تمام حوزه‌ها و علوم مربوط به ادبیات، از جمله علم بدیع، نیازمند بازنگری و بازخوانی است و هیچ اثری آخرین حرف و سخن نیست.

در پایان این مقدمه کوتاه لازم می‌دانم از دو تن از دوستان جوان و فاضلم آقایان دکتر هاشم صادقی محسن آباد و دکتر داود عمارتی مقدم، اعضای هیأت علمی دانشگاه نیشابور، که متن کتاب را پیش از چاپ خواندند و نکات سودمندی را متذکر شدند سپاسگزاری نمایم و برایشان از درگاه خداوند متعال آرزوی تندرستی و توفیق دارم. نیز سپاسگزارم از: آقای حسین تقفدی کارشناس گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی که صفحه آرایی و تهیه فهرستها و پیراستن کار هنر ایشان است؛ جناب آقای علی زوار مدیر محترم انتشارات دیرینه سال و معتبر زوار که همت کردند به نشر این مختصر؛ سرکار خانم نوذری کارشناس محترم و دیگر کارکنان گرانقدر انتشارات زوار.

گمان مبر که به پایان رسیده کار مغان هزار باده ناخورده در رگ تاک است

والحمد لله أولاً و آخراً

فصل اوّل:

«بدیع» در لغت:

در بیشتر فرهنگ‌های عربی، از جمله: لسان العرب ذیل ماده «بدع» بدیع و بدع به معنی «الشیء الذی یکون اولاً و المحدث العجیب و المبدع و جدید و المبتدع و المبتدع» (آنچه که اول باشد و تازه به وجود آمده شگفت انگیز و ابداع شده و جدید و نو آورنده و نو آورده شده) آمده است. در لغت نامه دهخدا هم به نقل از منتهی الارب «بدیع» به معنی: نو بیرون آورنده و نو بیرون آورده (اسم فاعل و اسم مفعول)، زیبا و جمیل و معانیی از این دست آمده است. «تازگی، نو بودن و زیبایی» که در معنای لغوی این کلمه در فرهنگ‌ها ذکر شده، لازم به شگفت آوردن است و تازگی و اعجاب و شگفت انگیزی در هر امر بدیعی و از جمله علم بدیع لازم و ملزوم یکدیگرند.

«بدیع» در اصطلاح:

در بسیاری از کتاب‌های بدیعی بدیع را علمی دانسته‌اند که به وسیله آن انواع روشهای آراستن کلام شناخته می‌شود و در برخی از آنها ذکر شده است که این کلام پیش از آراستگی به فنون بدیعی باید مطابق با مقتضای حال مخاطب گردد (رعایت قواعد لازم علم معانی)، رسا و دلالت آن هم مشخص و معین باشد (رعایت مبانی علم بیان). سیوطی در الفیه خود با دو بیت، مختصر و مجمل به نکاتی که گفته شد اشاره کرده است:

عِلْمُ الْبَدِيعِ مَا بِهِ قَدْ عُرِفَا وَجُوهُ تَحْسِينِ الْكَلَامِ إِنْ وَفَى
مُطَابَقاً وَقَصْدُهُ جَلِيٌّ فَمِنْهُ لَفْظِيٌّ وَمَعْنَوِيٌّ
(سیوطی، ۱۹۳۹: ۱۰۴)

شمس العلما گرکانی بدیع را از محسنات و صنایعی دانسته که نظم و نثر بلیغ را به وسیله آن می‌آریند (ابدع البدایع، ۶). در کتاب بدایع الاشعار ضمن اشاره به اشتقاق و معنای لغوی این کلمه، بدیع در اصطلاح علمی دانسته شده که به وسیله آن گونه‌های نیکو و زیبا ساختن کلامی که مطابق حال و مقام گشته و دلالت آن واضح و روشن و بدون ابهام است، شناخته می‌شود (همان تعریف و دیدگاه سیوطی):

«بدیع بر وزن فعلیل مشتق از بدع به کسر می‌باشد و اول هر چیزی را که یک نوع تازگی داشته باشد آن را عرب بدع می‌گوید... این علم را که بدیع می‌گویند به دو اعتبار صحیح می‌باشد از راه آنکه در میان علوم عربیت عنوان نوظهوری دارد ممکن است به معنای اسم مفعول باشد و از راه آنکه صنایع بدیعیه در ترکیب کلمات ایجاد غرابت و تولید نشاط در نفوس می‌نماید به معنای اسم فاعل می‌باشد. تعریف اصطلاحی بدیع: هو عِلْمٌ يُعْرِفُ بِهِ وَجُوهُ تَحْسِينِ الْكَلَامِ بَعْدَ رِعَايَةِ الْمُطَابَقَةِ وَضَوْحِ الدَّلَالَةِ. تعریف نظمی بدیع که مرحوم ملا داود ملا باشی طاب ثراه فرموده

عِلْمُ الْبَدِيعِ هُوَ مَا يُعْرِفُ بِهِ وَجُوهُ تَحْسِينِ الْكَلَامِ فَائْتِيهِ

دانشی که به آن آرایش گفتار شناخته می‌شود آن را بدیع می‌گویند» (بدایع نگار، ۱۳۳۶ق: ۲-۳).

محمد رضا حکیمی با استناد به چند منبع با تفصیل و توضیح بیشتر به معنای اصطلاحی بدیع - که دیگران هم کم و بیش اشاره کرده‌اند - پرداخته است: «بدیع دانشی است که بدان می‌دانند که از چه راهها سخن را نیکو سازند و بیاریند پس از رعایت فصاحت و بلاغت. و غایت آن تحصیل توان است بر تحسین سخن با به کار بردن محسنات عرضی. و نتیجه آن آراستن سخن است به چنین تحسین و آرایشی. و سود آن افزودن نشاط شنونده است و پذیرفتن خرد. و مبادی آن گشت و تأمل است در خطابه‌ها و نامه‌ها و رساله‌ها و شعرهایی که صنایع بدیعی در آنها آمده است. و این آرایش بدیعی - چنانکه یاد شد - بی رعایت مطابقت کلام با مقتضای حال علم معانی - و بی رعایت رسایی سخن و وضوح دلالت علم بیان - ارزشی نخواهد داشت» («زبدة الصحائف» تألیف نوفل افندی، ۱۴۰،

«معجم المصنفین» ج ۱، ۲۰۰-۲۰۱ و... به نقل از مقاله «قصاید بدیعیه» از محمد رضا حکیمی در کتاب «جشن نامه محمد پروین گنابادی»، (۹۰)

احمد مطلوب هم همان تعریف پیشینیان را از بدیع آورده است:

«بدیع عبارت است از علمی که به وسیله آن گونه‌های زیبا ساختن کلام شناخته می‌شود بعد از رعایت تطبیق کلام بر مقتضای حال و آشکار بودن دلالتش. یعنی این علم تابعی از علم معانی و بیان است» (مطلوب، ۲۰۰۶: ج ۱، ۳۸۲-۳۸۳).

شفیعی کدکنی ضمن اشاره به این تعریف مکرر، منظور و مقصود از آرایشهای کلامی را در علم بدیع امکاناتی دانسته که بر قدرت تأثیر سخن می‌افزاید: «یعنی علم بررسی صنایع شعری و آرایشهای کلام. منظور از آرایشهای کلام، امکاناتی است که نویسنده یا شاعر، با توجه به آن امکانات، قدرت القایی و نیروی تأثیر سخن خویش را افزایش می‌دهد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۴۴۲).

کارکرد صنایع بدیعی:

همان طور که در مقدمه اشاره شد صنایع بدیعی از عوامل مؤثر در تبدیل نقش ارجاعی و خودکار زبان به نقش ادبی است. این صنایع و ترفندها در کنار عناصری چون عاطفه، خیال و موسیقی، زبان را از حالت خودکاری و روزمرگی خارج می‌کند، برجسته و جالب توجه می‌نماید و به آن نقش ادبی می‌بخشد. برخی افزودن وزن عروضی و قافیه را به کلام ساده ترین راه خارج کردن زبان از صورت مبتذل و مکرر آن می‌دانند و اعتقاد دارند اگر در این میان عواملی دیگر چون صنایع بدیعی و صور خیال همراهی نکنند، این نوع از کلام (سخن دارای وزن و قافیه) نیز خود به تدریج مبتذل و دل آزار می‌شود.

هر جا سخن از شاخه‌های مختلف هنر از جمله ادبیات در میان باشد بحث زیبایی شناسی نیز مطرح است و هر گونه هنری باید حس زیبایی شناسی مخاطب را تحریک و اقناع نماید. منظور از مخاطب در بحث از صنایع بدیعی، مخاطبی است که برخوردار از دانش بلاغت باشد و صنعت و یا صنایع بلاغی و بدیعی موجود در متن باید حس زیبایی شناسی چنین مخاطبی را تحریک و اقناع نماید، اگر نه کسی که با انواع آرایشهای بلاغی آشنا نیست و تعاریف و گونه‌های آن را نمی‌داند چگونه می‌تواند مثلاً انواع سجع، جناس، ایهام، تناسب و... را دریابد و نقش آنها را در ادبیت بخشیدن به متن درک کند.